

نه یهودی سازی فلسطین اتفاق می افتد نه معامله قرن

صفحه ۲



ایران رسماً در لیست تحریم آدیداس قرار گرفت

اسپانسر خائن



صفحه ۱۴

یادداشت امروز

بهترین دفاع حمله است

امیدرامز

نحوه تقابل آمریکا با کشورهای متخاصم با خود، مبتنی بر ۲ راهبرد کلان است که می توان گفت همه راهبردهای دیگر ذیل آنها تعریف شده و معنا و مفهوم می یابد. نگاهی به تاریخچه رویارویی آمریکا با «اتحاد جماهیر شوروی» در قرن بیستم و همچنین رویکرد آمریکا در قبال «ایران» در طول ۴۰ سال گذشته ادعای فوق را تصدیق می کند.

۱- راهبرد اول بهره مندی از «نظریه بازی ها (Game Theory)» و مفاهیم «بازی ترسوها» و «قطعه کانونی (Focal Point)» در این نظریه است. در نظریه بازی ها که کاربرد آن برای علوم مختلف از جمله اقتصاد، تجارت، علوم اجتماعی و رفتاری، فنون مذاکره، سیاست و هر حوزه ای که حداقل ۲ بازیگر با هم در تقابلند بسط یافته، پیش فرض این است که طرفین تقابل از راهبرد یکدیگر بی خبرند و لذا مطلوبیت یک راهبرد یا الترناتیو برای هر یک از طرفین نه صرفاً به تصمیم انتخاب شده توسط خود او، بلکه به راهبرد طرف مقابل نیز بستگی دارد. به عبارت دیگر ممکن است یک راهبرد به تنهایی برای یک بازیگر مطلوبیت بیشتری داشته باشد ولی راهبرد طرف مقابل این مطلوبیت را خنثی کند. تعارض وقتی پیش می آید که ممکن است یک نقطه تعادل که خواسته هر دو طرف را برآورده می کند [حالتی که به برد- برد معروف است] پیش نیاید و مطلوبیت طرفین در تضاد با یکدیگر باشد؛ اینجاست که «توماس شلینگ»، تئورسیمن مطرح نظریه بازی ها و از استراتژیست های سابق اندیشکده «Rand» در کتاب «راهبرد و تضادها» مفهومی به نام «بازی ترسوها» را مطرح می کند. بر این اساس بالفرض راهی وجود دارد که فقط یکی از طرفین منازعه می تواند از آن عبور کند و در صورتی که ۲ طرف سعی کنند با هم وارد آن شوند، هر دو با چالشی مواجه می شوند که نسبت به شرایطی که یکی از طرفین فرصت عبور را به دیگری می داد، وضعیت را بدتر می کند. در عرصه منازعه امنیتی، نظامی و منطقه ای نیز بعضاً وضعیتی حادث می شود که به نفع هر دو طرف است که راهبرد «حضور همزمان» یا به تعبیری «درگیری» را انتخاب نکنند. برای این کار یک بازیگر باید با هزینه «بسی» به این باور برسد که بازیگر مقابل قدرت بیشتری دارد، لذا در شرایطی که طرفین بازی، گزینه برد- بردی ندارند، می تواند بازیگر ترسو را به انتخاب راهبردی که مطلقاً برای طرف دیگر مطلوب است سوق دهد و نقطه تعادل را از برد- برد به برد- باخت منتقل کند. این نقطه همان «قطعه کانونی» است که به ظاهر نسبت به گزینه برد- برد برای هر دو طرف توجیه بیشتری دارد. همانطور که ذکر شد در چند دهه گذشته همین راهبرد توسط آمریکا در قبال ایران اجرا شده است. در تقابل اسلام سیاسی انقلابی عدالتخواه و لیبرالیسم، در موضوع حقوق بشر و در مسائل منطقه ای و موسیقی، آمریکا همواره خود و مطلوبیت خود را «قطعه کانونی» قرار داده، لذا این ایران است که باید در هر حوزه ای به این نقطه کانونی و در واقع به مطلوبیت آمریکا نزدیک شود. در حوزه مسائل هسته ای این حرکت با کلیدوازه «تنش دایمی» و سراب برد- برد از طرف ایران انجام شده؛ غافل از اینکه وعده آزاد کردن یک حق- رفع تحریم- در ازای گرو نگه داشتن یک حق دیگر- قدرت هسته ای- نه یک تعامل برد- برد، بلکه اساساً یک بازی برد- باخت در «قطعه کانونی» مطلوب آمریکا بود.

۲- طرح دیگر که می توان آن را در راستای راهبرد اول دانست، طرح بلندمدت «فرم اجزای امنیت» یا «SSR» است که آمریکا بیش از ۲ دهه است در پی اجرای آن است. بر این اساس با در نظر گرفتن قوای اقتصادی، نظامی، سیاسی، ایدئولوژیک، فرهنگی و اجتماعی به عنوان شاخص ها و ارکان امنیت ملی، قدرتمندترین شاخص امنیت ملی هر کشور با راهبرد بند یک آنقدر تحت فشار قرار می گیرد تا فرسوده و مستهلک شده و به سطح شاخص بعدی که ضعیف تر است، برسد. همین فرآیند در گام بعدی برای شاخص بعدی تکرار می شود. گزارش توسط اندیشکده Security Sector Reform In The Gulf مرکز تحقیقاتی فرا حزبی در آمریکا که در حوزه تهدیدات امنیتی فعالیت می کند سال ۲۰۰۶ منتشر شده، با اذعان به ابعاد قدرت ایران در حوزه های مذهبی، اقتصادی ...

ادامه در صفحه ۵



تهدید ففتی حسن روحانی با واکنش سخیف و توهین آمیز ترامپ و پمپئو مواجه شد

اراذل آمریکایی!

عربستان و رژیم صهیونیستی از مواضع ضد ایرانی واشنگتن حمایت کردند

صفحه ۲

جدید ۲۴ ساعته فارسی زبان اشاره کرد. موضوع دیگر هم فشار در حوزه عملیاتی است که نمونه آن تلاش و ساماندهی برخی تجمعات است. البته نسبت به شرایطی که یکی از طرفین فرصت عبور را به دیگری می داد، وضعیت را بدتر می کند. در عرصه منازعه امنیتی، نظامی و منطقه ای نیز بعضاً وضعیتی حادث می شود که به نفع هر دو طرف است که راهبرد «حضور همزمان» یا به تعبیری «درگیری» را انتخاب نکنند. برای این کار یک بازیگر باید با هزینه «بسی» به این باور برسد که بازیگر مقابل قدرت بیشتری دارد، لذا در شرایطی که طرفین بازی، گزینه برد- بردی ندارند، می تواند بازیگر ترسو را به انتخاب راهبردی که مطلقاً برای طرف دیگر مطلوب است سوق دهد و نقطه تعادل را از برد- برد به برد- باخت منتقل کند. این نقطه همان «قطعه کانونی» است که به ظاهر نسبت به گزینه برد- برد برای هر دو طرف توجیه بیشتری دارد. همانطور که ذکر شد در چند دهه گذشته همین راهبرد توسط آمریکا در قبال ایران اجرا شده است. در تقابل اسلام سیاسی انقلابی عدالتخواه و لیبرالیسم، در موضوع حقوق بشر و در مسائل منطقه ای و موسیقی، آمریکا همواره خود و مطلوبیت خود را «قطعه کانونی» قرار داده، لذا این ایران است که باید در هر حوزه ای به این نقطه کانونی و در واقع به مطلوبیت آمریکا نزدیک شود. در حوزه مسائل هسته ای این حرکت با کلیدوازه «تنش دایمی» و سراب برد- برد از طرف ایران انجام شده؛ غافل از اینکه وعده آزاد کردن یک حق- رفع تحریم- در ازای گرو نگه داشتن یک حق دیگر- قدرت هسته ای- نه یک تعامل برد- برد، بلکه اساساً یک بازی برد- باخت در «قطعه کانونی» مطلوب آمریکا بود.

دکتر فؤاد ایزدی، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل آمریکا در گفت و گو با «وطن امروز» درباره اظهارات تند مقامات آمریکایی علیه ایران:

آمریکایی ها انتظار نداشتند روحانی اینگونه موضع بگیرد



واقعیت در آمریکا هم تا حدود زیادی نمودار شده است. خیلی از جریان های سیاسی و امنیتی آمریکا هم از اساس سیاست خارجی ترامپ را قبول ندارند. مقامات سیاسی جمهوری اسلامی هم باید طبیعتاً با این نکته پی برده باشند که طرف آمریکایی فقط زسان زور را می فهمد. طبیعتاً اگر طرف آمریکایی احساس کند در طرف ایرانی احساس ضعف وجود دارد جری تر خواهد شد.

■ **نظرشان درباره صحبت های وزیر خارجه آمریکا چیست؟**
پمپئو هم در سخنان خود از تغییر حکومت در ایران صحبت کرد. تحلیل آمریکایی ها این بود که بعد از خروج از برجام، ایران به یقین در برجام می ماند. طراحی آنها بعد از خروج از برجام این بود که با افزایش فشارها حکومت ایران را تغییر دهند! اگر حکومت تغییر کرد که به هدفشان رسیده اند، اگر هم تغییری حاصل نشد که به زعم آنها حکومت ضعیف شده و امتیازات بیشتری به آمریکا می دهد. خب! برای اجرای این طرح باید به نیروهای خودشان در داخل ایران کمک کنند. این موضوع را هم از طریق سخنرانی و تخصیص

درباره اظهارات تند، نسنجیده و غیرمسئولانه رئیس جمهور و وزیر خارجه آمریکا علیه ایران، با دکتر فؤاد ایزدی، استاد دانشگاه تهران و کارشناس مسائل آمریکا گفت و گو کردیم.

■ **سخنان آقای روحانی با واکنش توهین آمیز و سخیف رئیس جمهور و وزیر خارجه آمریکا مواجه شد. این واکنش ها به صورتی بود که تقریباً در تاریخ ادبیات رجال سیاسی جهان بی سابقه است. علت این نوع سخنان غیر حرفه ای از مسوولان آمریکایی را چه می دانید؟**

فکر می کنم توثیت آقای ترامپ که به نظر می رسد واکنشی به صحبت های اخیر آقای روحانی باشد، بیشتر مصرف داخلی دارد. آمریکا آبان ماه انتخابات کنتره را در پیش دارد. این انتخابات برای ترامپ جنبه حیاتی دارد، چرا که اگر دموکرات ها دست بالا را داشته باشند به احتمال زیاد ترامپ استیضاح خواهد شد. به همین خاطر ترامپ نیاز دارد همه کسانی که به او رأی دادند، باز هم پای صندوق های رای حاضر شوند. خب! طبیعتاً ترامپ هم حرفه ای می زند که آن طیف خوش شان بیاید. منتها نباید فراموش کنیم که ترامپ شبیه همین ادبیات را در قبال رهبر کره شمالی هم به کار برد اما چند هفته بعد با «اون» دیدار و از او تمجید کرد، لذا در سیاست خارجی ترامپ خیلی ثبات وجود ندارد. این

تیتربهای امروز

بررسی آخرین وضعیت سیاسی - امنیتی افغانستان در گفت و گو «وطن امروز» با محمد محقق، معاون رئیس اجرایی دولت افغانستان

پرونده کابل

بررسی موانع صلح با طالبان در گفت و گو «وطن امروز» با نصیر احمدنور، سفیر افغانستان در ایران
پاسکاری طالبان و داعش در زمین آمریکا
آنچه از تهدیدهای اخیر دروازه شرقی باید بدانیم



صفحات ۱۱ و ۱۶

سخنگوی قوه قضائیه خبر داد

بازداشت ۴ مدیر وزارت صنعت

پرونده تخلف واردات غیرقانونی چند هزار خودرو با دستگیری چند مدیر وزارت صنعت، معدن و تجارت توسط دستگاه قضایی وارد فاز جدیدی شد

صفحه ۲

بزرگ ترین تظاهرات مخالفان مرکل در ایالت بایرن برگزار شد

پایان عصر طلایی بانوی آهنین اروپا

صفحه ۱۵

دل نوشت

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

حسین قدیانی



نخستین بار نیست که «غریبانه» شهید می دهیم. آخرین بار هم نخواهد بود! مرابون نگین سبز انگشتر کردستان است که حتی زمان «کاکامند» هم غریبانه شهید می داد! آن روزها هم کرد مدافع امنیت این مرز و بوم، هم سنی بود و هم شیعه! پس شهادت، تنها تجلی غربت مانیست؛ جلوه وحدت ما نیز هست! آنجا که شیعه و سنی، دوشادوش هم شهید می شوند، بلکه گروهک های جدایی طلب نتوانند ایران واحد و یکپارچه و متحد را بنا به خواست دشمن، تکه تکه و متفرق کنند! چند روز پیش که خبر شهادت این بچه ها را خواندم، ناخودآگاه یاد سرداری اقدام که دیری است مسافر «انتهای افق» شده کجایی کاکامند مهربان کردها؟! کجایی حاج احمد عبور ما؟! تو نیستی اما باز هم کردستان دارد شهید می دهد تا زریوار زبیا، همچنان متعلق به خاک ایران بماند! آدا الساعه یاد «مسیح کردستان» افتادم؛ شهید بروجردی که کردها خود این لقب را به ایشان دادند! داریم آیا ملی گراتر از شهدا؟! اسلامی گرای به چیست؟! و مگر نه آن است که گذشتن از جان به خاطر حفظ تمامیت ارضی، آن هم لب لب لب مرز، مظهر بالاترین وفاداری به ملت است؟! بگذار رسانه ها حواس شان نباشد اما خدا که می بیند! حتی روزگار جنگ هم بودند روزنامه هایی که به قول شهید خرازی، جنگ را درشت می نوشتند، نه در دست! و امروز هم قصه همین است! با دست نابکار لعین تکفیری، سر محسن حججی از بدن جدا می شود! لیکن اینجا روزنامه زنجیرهای رنگ لوگو را با پرچم حرامیان ست می کند! و تا دیدند سردار محاسن بسفید سیاه به شهادت رسید، زهر خود را ریختند و تیتیر یک را اینگونه رفتند: «سرتیپ حسین همدانی در سوریه کشته شد!» و همین که متوجه شدند کسی به کسی نیست، از ضرورت محاکمه حاج قاسم نوشتند! جرم؟! نگه داشتن دشمن در همان سنگره های ابتدایی، بلکه لازم نباشد در خاک خودمان با بازماندگان شمر و حمله بکنیم! کجایی راوی فتح؟! ...

ادامه در صفحه ۵



از سخن تا به عمل یک قدم است

از حرف تا عمل